مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

شریف منصور ۲۰۲۲/۰۷/۱۷

زندگینامه حضرت محمد مصطفی (ص)

بخش یازدهم

یک روز پس از آنکه سپاهیان قریش و متحدان شان اردوگاه هایشان را ترک کردند پیامبر (ص) و سپاه اسلام به مدینه بازگشتند. در همان روز پیامبر فرمان داد که مسلمانان برای جنگ با بنی قریظه مهیا شوند مسلمانان هم بی درنگ آماده جنگ شدند و پیامبر پرچم را به حضرت علی سپرد [۱] و با سپاه اسلام به سوی بنی قریظه حرکت کرد. [۲] شماره سپاهیان اسلام در این جنگ سه هزار نفر بود.[۳] مسلمانان قلعه های بنی قریظه را محاصره کردند و به فرمان پیامبر، تیراندازان سپاه آن قلعه ها را به تیر بستند. فردای آن روز هم تیراندازان دوباره به دستور پیامبر، قلعه ها را احاطه کردند و به گروه های مختلف تقسیم شدند و بی وقفه به سوی قلعه ها تیر و سنگ پرتاب می کردند. [۴] یهودیان هم به تیراندازی متقابل مبادرت کردند [۵] اما پس از چند روز زد و خورد، یهودیان ادامه جنگ را بی فایده دیدند و از پیامبر تقاضای مذاکره کردند. پیامبر پذیرفت و یهودیان شخصی به نام نباش بن قیس را به نمایندگی از خودشان برای مذاکره با پیامبر فرستادند. نباش بن قیس از پیامبر تقاضا کرد که همانند قبیله بنی نضیر با آن ها رفتار شود یعنی مسلمانان به استثنای یک بار شتر، بقیه دارایی و اسلحه بنی قریظه را ضبط کنند اما به خودشان آسیبی نرسانند و اجازه بدهند که آن ها مدینه را ترک کنند. پیامبر با این پیشنهاد او موافقت نکرد. پس از آن بنی قریظه حاضر شدند که حتی همان یک بار شتر را هم نبرند و تنها خودشان از مدینه خارج شوند اما پیامبر این پیشنهاد آن ها را هم نپذیرفت و از یهودیان خواست که بی قید و شرط تسلیم شوند. [۶] پس از آن، کعب بن اسد، رئیس قبیله بنی قریظه، آن ها را برای مشورت جمع کرد و سه گزینه را پیشنهاد کرد و از آن ها خواست که با یکی موافقت کنند.

گزینه اول این بود که دین اسلام را بپذیرند و مسلمان شوند. یهودیان با این کار مخالفت کردند، دوم اینکه زنان و کودکان خود را بکشند و پس از آن دسته جمعی به مسلمانان حمله کنند که در صورت شکست، ترسی از سرنوشت زنان و فرزندان شان نداشته باشند و اگر هم پیروز شوند دوباره می توانند زن بگیرند و صاحب فرزند شوند. یهودیان این مورد را هم نپذیرفتند.

سومین گزینه کعب این بود که شبانگاه به پیامبر و سپاه اسلام شبیخون بزنند، اما یهودیان چون آن شب، شب شنبه بود و آن ها در شب و روز شنبه کاری نمی کردند با این پیشنهاد هم موافقت نکردند. [۷]

پس از آن، یهودیان نماینده ای به حضور پیامبر فرستادند و از آن حضرت خواستند که یکی از مسلمانان به نام ابولبابه بن عبدالمنذر را برای گفتگو به پیش آنها بفرستد. پیامبر خواسته آن ها را پذیرفت و ابولبابه به نزد آن ها رفت. یهودیان از او در مورد سرنوشت احتمالی خودشان پرسیدند و او با اشاره دست پاسخ داد که آن ها کشته خواهند شد. ابولبابه بعدا از این کار خود پشیمان شد و توبه کرد. [۸]

یهودیان که چاره دیگری نداشتند پس از پانزده روز[۹] و یا به روایتی بیست و پنج روز [۱۰] محاصره تسلیم شدند و از قلعه هایشان بیرون آمدند. پیامبر داوری در مورد سرنوشت آن ها را به یکی از یاران خود به نام سعد بن معاذ سپرد. سعد حکم کرد که مردان بنی قریظه را بکشند و زنان و کودکان آن ها را به اسارت بگیرند و اموال آن ها را میان مسلمانان تقسیم کنند. مسلمانان در بازار مدینه گودالی کندند و مردان بنی قریظه را که به روایتی ششصد/هفتصد تن [۱۱] و به روایت دیگر هفتصد و پنجاه نفر[۱۲] و به روایتی هم نهصد نفر [۱۳] بودند به آنجا آوردند و گردن های آن ها را زدند.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

ادامه دارد...

پی نوشت ها:
۱_ سیره رسول خدا، ص ۳۷۶
۲_ مغازی، ج دوم، ص ۳۷۵
۳_ طبقات، ج دوم، ص ۷۲
۴_ مغازی، ج دوم، ص ۳۷۸
۵_ طبقات، ج دوم، ص ۷۲
۶_ مغازی، ج دوم، ص ۳۷۹
۷_ سیره رسول خدا، ص ۳۷۷_۳۷۸
۸_ طبقات، ج دوم، ص ۷۲_۷۳
۹_ مغازی، ج دوم، ص ۳۷۵ و طبقات، ج دوم، ص ۷۲
۱۰_ سیره رسول خدا، ص ۳۷۷
۱۱_ طبقات، ج دوم، ص ۷۳
۱۲_ تاریخ یعقوبی، ج اول، ص ۴۱۲
۱۳_ سیره رسول خدا، ص ۳۸۱

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ